

نوع مقاله: ترویجی

بررسی تحلیلی علل بینشی صبر حضرت زهرا علیها السلام هنگام مصیبت

hekmatquestion@gmail.com

محمدعلی محیطی اردکان / استادیار گروه فلسفه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

sh.fayaz@chmail.ir

کسب سمانه کارگر شورکی / طلبه سطح سه اخلاق و تربیت اسلامی مؤسسه آموزش عالی حضرت زهرا علیها السلام میبد

پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۵

دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۶

چکیده

صبر در ادبیات مقاومت جایگاه والایی دارد. معارف اسلامی نیز سرشار از دعوت به سوی اقسام صبر، از جمله صبر هنگام مصیبت است. در این مقاله به عوامل بینشی صبر حضرت زهرا علیها السلام بر مصیبت می پردازیم؛ عواملی که بی تردید نقشه راه تقویت پایداری هنگام مصیبت را پیش روی رهروان آن حضرت ترسیم خواهد کرد. این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای و با رویکرد توصیفی - تحلیلی به دنبال استخراج عوامل بینشی صبر حضرت زهرا علیها السلام هنگام مصیبت و تحلیل آنهاست. بدین منظور، پس از توضیح مبادی تصویری بحث، علل بینشی صبر حضرت زهرا علیها السلام هنگام مصیبت را در چهار حوزه خدانشناسی، خودشناسی، دنیاشناسی و فرجام‌شناسی بررسی می‌کنیم. یقین به خداوند متعال، درک حضور و معیت الهی، درک محبت الهی و قرب او در حوزه خدانشناسی، معرفت بالا و والای حضرت نسبت به خویش در حوزه خودشناسی، و اموری مانند شناخت طبیعت زندگی دنیا در حوزه دنیاشناسی و آگاهی نسبت به پیامدهای اخروی صبر و معادباوری در حوزه فرجام‌شناسی، از مهم‌ترین علل بینشی صبر حضرت زهرا علیها السلام هنگام مصیبت است. امید آنکه بتوان با الگوگیری از این بانوی معصوم، صراط مستقیم را طی کرد و به قرب الهی رسید.

کلیدواژه‌ها: صبر بر مصیبت، حضرت زهرا علیها السلام، ساحت بینشی، خدانشناسی، خودشناسی، دنیاشناسی، فرجام‌شناسی.

مقدمه

هرچند دربارهٔ صبر حضرت زهرا[ؑ] به صورت کلی کتاب‌ها و مقالاتی به رشتهٔ تحریر درآمده؛ اما براساس جست‌وجوی صورت‌پذیرفته، نوشته و مطلبی دربارهٔ علل بینشی صبر حضرت زهرا[ؑ] هنگام مصیبت یافت نشد. در گام نخست، به منظور پرهیز از خطای مفهومی، منظور خود را از ساحت بینشی توضیح می‌دهیم:

۱. مفهوم ساحت بینشی

ساحت به معنای حوزه، محدوده و دامنهٔ خاصی است که مجموعه‌ای از رفتارها و فعالیت‌های انسان در آن حوزه و دامنه قرار می‌گیرد (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۳۲۳). ساحت‌های وجودی انسان را می‌توان به‌طور کلی به سه ساحت بینشی، گرایشی و رفتاری تقسیم کرد و علل صبر حضرت زهرا[ؑ] هنگام مصیبت را با توجه به ساحت‌های سه‌گانهٔ مزبور بررسی کرد.

منظور از ساحت بینشی، حوزه و قلمرو مربوط به شناخت و آگاهی انسان است که از راه‌ها و منابع معرفتی گوناگون به صورت حضوری یا حصولی دست‌یافتنی است. بینش‌های انسان ممکن است از راه تقلید و الگوگیری صحیح شکل گرفته و یا با اجتهاد به دست آید. انسان باید بینش‌های خود را تصحیح و یا تقویت کرده و یا بر مدار اعتدال قرار دهد تا زمینهٔ لازم و کافی برای هدایت و جهت‌دهی گرایش‌ها و رفتارهای او فراهم شده، از مسیر درست به سعادت حقیقی‌اش دست یابد.

۲. طبقه‌بندی و تحلیل علل بینشی صبر حضرت

زهرا[ؑ] هنگام مصیبت

علل بینشی صبر حضرت زهرا[ؑ] هنگام مصیبت را در حوزه‌های زیر می‌توان استخراج، طبقه‌بندی و تحلیل کرد:

۲-۱. حوزهٔ خداشناسی

یکی از حوزه‌های بینشی انسان خداشناسی است. با تحلیل آثار خداشناسی می‌توان یکی از سرچشمه‌های استقامت حضرت زهرا[ؑ] هنگام دشواری‌ها را به شرح زیر به دست آورد:

اگر دین را به ساختمانی تشبیه کنیم که بر پایهٔ خداشناسی بنا شده است، خداشناسی در بخش‌های مختلف دین تأثیرگذار خواهد

صبر در بینش اسلامی امری ایجابی و فعالیتی درونی است که نیاز به اراده، نیرو و مقاومت دارد و هدف آن جلب رضایت خداوند است (ر.ک: محیطی اردکان و کارگر شورکی، ۱۳۹۹). دشواری‌ها و مصیبت‌های گوناگون، لازمهٔ زندگی در دنیا است و رویارویی با عالم تراحم‌ها، استقامت و پایداری می‌طلبد. صبرورزی نه تنها آرامش خاطر دنیوی را به همراه دارد؛ بلکه براساس آموزه‌های اسلام، باعث تکامل انسان شده و یکی از عوامل دستیابی به سعادت اخروی به‌شمار می‌رود (انسان: ۸-۱۲)؛ بنابراین انسان باید هم خود استقامت ورزد «... وَ اسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرْتُ...» (شوری: ۱۵) و هم دیگران را به آن دعوت کند: «... وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» (بلد: ۱۷؛ عصر: ۳).

استقامت هنگام مصیبت چندان ساده به نظر نمی‌رسد؛ از این‌رو، باید از صبرپیشگان الگو گرفت و با کشف راه‌های استقامت و عوامل تقویت روحیهٔ صبر به درجه‌ای از این فضیلت اخلاقی دست یافت. حضرت زهرا[ؑ] در زندگی کوتاه خود، با مصائب فراوان فردی، اجتماعی و سیاسی روبرو بودند. از آنجاکه ایشان از الگوهای صبر و استقامت به‌شمار می‌روند؛ در این پژوهش می‌کوشیم با روش تحلیلی به این سؤال پاسخ دهیم که ایشان چگونه توانستند در برابر این همه مصیبت استقامت ورزند؟ همچنین با توجه به تعدد عوامل پایداری هنگام مصیبت، با تفکیک ساحت‌های بینشی، گرایشی و رفتاری، این مقاله را به بررسی علل بینشی صبر حضرت زهرا[ؑ] اختصاص داده‌ایم و در پژوهش‌های دیگر، عوامل گرایشی و رفتاری را بررسی کرده‌ایم.

دستیابی به آثار فراوان دنیوی و اخروی صبر، با به‌کارگیری شیوه‌های صحیح دستیابی به مقام صبر، امکان‌پذیر است. بدین‌سان در پژوهش حاضر می‌کوشیم با توجه به برخی مبانی انسان‌شناختی نظام اخلاقی و تربیتی اسلام، از جمله توجه به ساحت بینشی وجود انسان، شیوه‌های استقامت ورزیدن و تقویت روحیهٔ صبر را طبقه‌بندی و تحلیل کنیم. در این صورت می‌توان با آموزش و تقویت علل بینشی صبر، زمینه را برای تقویت عمل به آن فراهم کرد. نتیجهٔ این فرایند تدریجی، گام نهادن در مسیر سبک زندگی اسلامی تا دستیابی به کمال نهایی است.

بررسی موضوع موردنظر از این جهت می‌تواند بسیار حائز اهمیت باشد که با توجه به مقام عصمت حضرت زهرا[ؑ] می‌توان شاخصه‌هایی را به دست داد که عمل براساس آنها ضامن اعتدال بینشی انسان باشد.

صاحب یقین می‌دانستند (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۲۵۷؛ اربلی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۳۰۳). درستی کبرای استدلال را نیز با استفاده از روایات معصومان[ؑ] به شرح زیر می‌توان نشان داد:

ب. ارتباط صبر و یقین در روایات

روایات دربردارنده صبر و یقین را می‌توان به اقسام ذیل تقسیم کرد:
الف. همراهی صبر و یقین: در برخی روایات صبر و یقین با هم آمده است؛ مانند: «أَطْرَحَ عَنْكَ الْهُمُومَ بَعْرَائِمِ الصَّبْرِ وَ حُسْنَ الْيَقِينِ» (کراجکی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۴۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۹، ص ۱۳۶؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۱۳۷)؛ غبار اندوه را با تصمیم به صبر و یقین نیکو از خود دور کن.

از این روایت می‌توان این‌گونه برداشت کرد که صبر، برآمده از یقین است و می‌توان با افزایش یقین به مراتب بالای صبر دست یافت. در روایتی از امیرمؤمنان علی[ؑ] آمده است: محرومیت و نومیدی به شما خواهد رسید؛ اما اگر صبر کنید و طلب یقین کنید، خداوند به خونخواهی تان برخواهد خواست و دنباله کارتان را خواهد گرفت و حقوق از دست‌رفته تان را باز پس خواهد گرفت (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۱، ص ۱۲۰).

ب. روایاتی که یقین را بالاتر از صبر می‌داند، روایاتی که صبر را سلاح صاحب یقین (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۳۹۸)، میوه یقین (همان، ص ۳۲)، عبادت اهل یقین (همان، ص ۴۴۶) و اولین لازمه یقین داشتن (همان، ص ۸۵) می‌داند و روایاتی که بیان می‌دارد صبر از یقین است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷، ص ۱۸۲). در برخی روایات به این نکته اشاره شده که مؤمنان نسبت به دیگران از یقین بیشتری بهره‌مند هستند و صبورتر بودن برخی از ایشان نسبت به برخی دیگر در اموری مانند مصیبت، فقر، بیماری و ترس برخاسته از درجه یقین آنهاست (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۳۷۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۲۵۷).

ج. روایاتی که صبر را بالاتر از یقین می‌داند؛ مانند: «أَنَّ الْيَقِينَ فَوْقَ الْإِيمَانِ بِدَرَجَةٍ وَاحِدَةٍ وَ الصَّبْرُ فَوْقَ الْيَقِينِ» (علی بن موسی[ؑ]، ۱۴۰۶، ص ۳۶۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۸، ص ۹۰) همانا یقین یک درجه بالاتر از ایمان و صبر بالاتر از یقین است.

در موارد ب و ج، ممکن است سؤالی را در ذهن تداعی کند که چگونه ممکن است هم صبر بالاتر از یقین باشد و هم یقین بالاتر از صبر؟ شاید منظور از برتری صبر آن است که تا یقین نسبت به چیزی وجود نداشته باشد، صبر را در پی نخواهد داشت؛ یعنی پس از تصدیق

بود؛ خواه در بخش‌های اعتقادی و نظری باشد یا در حوزه‌های عملی مانند امور اخلاقی و سایر دستورالعمل‌های دینی (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۷). براساس فرمایش امیرمؤمنان علی[ؑ] دین با خداشناسی آغاز می‌گردد (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۱). براین اساس می‌توان به یکی از مهم‌ترین علل شناختی صبر حضرت زهرا[ؑ] بر مصیبت دست یافت. خداشناسی باعث می‌شود انسان با انگیزه‌های برآمده از آن بتواند در موقعیت‌های ویژه، مانند مصیبت‌ها، رفتاری مناسب داشته باشد. براین اساس و با توجه به تشکیکی بودن حقیقت صبر هنگام مصیبت، می‌توان یکی از عوامل تأثیرگذار در اختلاف مراتب آن را تفاوت درجات افراد در شناخت خدا دانست. هرچه پایه شناخت خدا استوارتر باشد بر درجه صبر نیز افزوده می‌شود.

الف. یقین به خداوند

بالاترین درجه معرفت حصولی نسبت به خداوند متعال، یقین است. یقین به اعتقاد جازم مطابق با واقع، اطلاق می‌گردد (نراقی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۰۲). در برخی روایات، اصل صبر، یقین نیکو به خداوند متعال معرفی شده است: «أَصْلُ الصَّبْرِ حُسْنُ الْيَقِينِ بِاللَّهِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۱۹۸). براین اساس، یقین به خداوند یکی از عوامل صبر به حساب می‌آید. بالاترین مرتبه حصولی خداشناسی یقین است؛ پس صبر برآمده از آن نیز در درجات بالاتر خواهد بود. حضرت زهرا[ؑ] صبری همراه با یقین داشتند. با بهره‌گیری از استدلالی عقلی می‌توان یکی از عوامل صبر حضرت زهرا[ؑ] را یقین ایشان دانست:

الف) حضرت زهرا[ؑ] از درجه یقین بهره‌مند بود.

ب) هرکس از درجه یقین بهره‌مند باشد، در دشواری‌ها صبور است.

۰۰ حضرت زهرا[ؑ] در دشواری‌ها صبور است.

با توجه به لمی بودن برهان مزبور، حد وسط، هم واسطه در اثبات نتیجه است، هم واسطه در ثبوت؛ به این معنا که حد وسط علت ثبوت حد اکبر برای حد اصغر است. از این رو، بهره‌مندی از یقین، علت صبور بودن حضرت زهرا[ؑ] است. البته براساس کبرای استدلال، هرکس از یقین بهره‌مند باشد، در دشواری‌ها صبور است. درستی صغرای استدلال را با توجه به گواهی دیگر معصومان[ؑ] می‌توان دریافت؛ پیامبر[ؐ] دخترشان را دارای درجه بالایی از یقین می‌دانستند (بحرانی، ۱۴۱۳، ج ۱۱، ص ۱۹۶؛ قطب راوندی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۵۳۱) و امیرمؤمنان علی[ؑ] نیز حضرت زهرا[ؑ] را

ج. درک حضور و معیت خداوند در هنگام مصیبت
یکی از مراحل خداشناسی درک حضور و معیت خداوند در هنگام مصیبت است که انسان هنگام مصیبت با تمام وجود بگوید: «إِنَّ مَعِيَ رَبِّي» (شعراء: ۶۲)؛ همانا پروردگارم با من است. برخی مفسران، معیت در این آیه را به معنی یاری خداوند دانسته‌اند (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۵، ص ۲۷۷)؛ خدایی که قادر مطلق و عالم به مصلحت بندگانش است، آنها را یاری می‌کند. کسی که خود را در محضر چنین خدایی ببیند به‌طور یقین صبر می‌کند؛ زیرا خداوند یاور صابران و همراه ایشان است: «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره: ۱۵۳ و ۳۴۹؛ انفال: ۴۶ و ۶۶).

هـ. درک محبت خدا

کسی که حقیقتاً خدا را دوست داشته باشد و آن را درک کرده باشد، حاضر است برای دیدار او از همه چیز بگذرد. از این رو، صبر می‌تواند برآمده از درک محبت الهی باشد. این درجه از معرفت برای افرادی ممکن است که طعم محبت خدا را چشیده و آن را درک کرده باشند و در مراتب عالی ایمانی قرار داشته باشند (mesbahyazdi.ir)؛ همان‌طور که حضرت سیدالشهدا^ع در آخرین لحظات عمر خود فرمودند: «[خدایا] همه را در راه تو رها کردم و برای اینکه به دیدنت نائل شوم، وابستگانم یتیم شدند، اگر در راه محبت تو قطعه قطعه شوم دلم به غیر تو شوق نخواهد داشت» (طالقانی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۱۱۴؛ قمی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۹۰۱). در قرآن نیز آمده است: «... وَ اللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ» (آل عمران: ۱۴۶)؛ خداوند صابران را دوست دارد. حضرت زهرا^ع در مراتب عالی ایمان قرار داشتند و محبت خدا را درک کرده بودند. از این رو، در همه مصیبت‌ها استقامت ورزیدند و هیچ دشواری نتوانست کام شیرین شده از محبت الهی او را تلخ کند. اگر انسان بتواند با تقویت بینش‌های خود، به این درک والا دست یابد، در مصیبت‌ها استقامت خواهد ورزید.

و. اعتقاد به هدف غایی بودن قرب الهی در صبر بر مصیبت

انسان‌ها برای رفتارهای اختیاری خود اهدافی در نظر می‌گیرند. اگر کسی هدف نهایی را قرب الهی بداند، همه صفات اکتسابی و رفتارهای اختیاری‌اش در راستای دستیابی به این هدف قرار می‌گیرد. یکی از راه‌های قرب الهی صبر بر مصیبت است. امیرمؤمنان علی^ع

قطعی به چیزی، انسان می‌تواند براساس همت و اراده‌اش، راه صبر را در پیش گیرد یا خلاف آن عمل کند. براین اساس، صبر بالاتر از یقین ارزیابی می‌شود. از سوی دیگر، یقین از مقومات صبر و براساس یک اصطلاح، از علل داخلی آن به حساب می‌آید. از این رو، صبر متوقف بر یقین است و تا یقین نباشد صبر هم نخواهد بود. همچنین چه‌بسا بتوان با در نظر گرفتن تشکیکی بودن حقیقت یقین و صبر هم به سؤال مزبور پاسخ داد و مراتبی از یقین را بالاتر از برخی مراتب صبر دانست و بالعکس. در هر حال، یقین اگر علت تامه صبر نباشد از علل ناقصه آن به‌شمار می‌رود و می‌تواند به‌عنوان یکی از عوامل صبر معرفی شود.

د. روایات بیان‌کننده صبر بدون یقین: روایاتی که دلالت بر صبر به همراه یقین دارد، ولی بیان می‌کند که اگر چنین صبری برای افرادی امکان ندارد حداقل بدون یقین نیز صبر کنند. برای نمونه می‌توان به این حدیث نبوی اشاره کرد که اگر می‌توانی به همراه یقین صبر کنی، این کار را بکن و اگر نمی‌توانی، صبر کن که در صبر بر سختی‌ها، خیر بسیار وجود دارد و بدان که صبر به همراه پیروزی، گشایش به همراه سختی و به دنبال هر سختی آسانی است (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۴۱۳؛ طبرسی، ۱۳۸۵ق، ص ۲۰). یقین دارای مراتب است و حضرت توصیه می‌کنند که اگر نمی‌توانی یقین داشته باشی، بدون یقین هم صبر کن. صبر کردن بدون یقین، لازمه‌اش یقین داشتن به درستی این توصیه است؛ یعنی پشتوانه چنین صبری، یقین است؛ هرچند یقین مراتب دارد و ممکن است پشتوانه صبر، یقین در مراتب بالا نباشد.

تا آنجا که به مدعای اصلی پژوهش حاضر مربوط است، از روایات یادشده می‌توان نتیجه گرفت که صبر و یقین با یکدیگر رابطه دوسویه دارند. تقویت هر کدام از صبر و یقین می‌تواند باعث افزایش درجه دیگری شود. یقین می‌تواند یکی از دلایل صبر باشد و علت تامه نیست؛ اما صبر با یقین در درجه بالاتری نسبت به صبر بدون یقین قرار دارد. با توجه به آیه قرآن «وَ جَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بآيَاتِنَا يوقِنُونَ» (سجده: ۲۴)؛ کسانی که به امر خداوند، دیگران را هدایت می‌کنند دارای صبر و یقین هستند؛ می‌توان نتیجه گرفت که حضرت زهرا^ع که براساس مستندات تاریخی و روایی مانند حدیث متواتر ثقلین، مسلمانان را به هدایت دعوت می‌کردند، از صبری همراه با یقین بهره‌مند بودند.

می‌فرماید: «مَنْ صَبَرَ عَلَى اللَّهِ وَصَلَّ إِلَيْهِ» (قطب راوندی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۹۲)؛ هرکس برای خدا صبر کند به او خواهد رسید. در روایتی دیگر از ایشان آمده است: تو به آنچه دوست داری از پروردگارت دریافت کنی، نمی‌رسی مگر با صبر و خویشنداری در مقابل آنچه نفس از تو می‌خواهد (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۶۶). بی‌تردید حضرت زهرا[ؑ] نیز که در زمره معصومان قرار دارد، چنین هدف والایی را در نظر داشته و اعتقاد مزبور نقشی مهم در استقامت‌ورزی ایشان ایفا کرده است.

حَلْمِكَ وَ عِلْمِكَ لِجَهْلِنَا» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۷، ص ۳۳۹)؛ خداوندا! برای ناتوانی خودمان از قوت تو، برای فقرمان از بی‌نیازی تو و برای جهل و نادانی خویش از علم و حلم تو خواستارم. نیاز انسان به خداوند متعال و امکان فقری او در قرآن کریم نیز آمده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (فاطر: ۱۵). برای اینکه فردی خود را به صفت اخلاقی صبر بر مصیبت مزین کند، باید مختار و متصل به ذات احدیت باشد.

۲-۲. حوزه خودشناسی

حوزه‌های دیگر از ساحت بینش، خودشناسی یا معرفت نسبت به خود است. حضرت زهرا[ؑ] از وضع موجود زمان خویش ناراضی بودند و آرزوی وضع مطلوب داشتند. اما صرف ناراضی‌مطلوب نیست؛ زیرا برای استکبارستیزی افزون بر ناراضی‌مطلوب از وضع موجود، تقویت روحیه ایستادگی و مقاومت در برابر آن نیز لازم است. بنابراین انسان با خودشناسی و اعتماد به نفس باید ایستادگی کند. حضرت زهرا[ؑ] اوضاع زمانه خود را شناخته بودند و با شناخت توانایی‌های خود، توانستند در مقابل ظلم مقاومت کنند.

ب. دوبعدی بودن انسان و نقش آن در صبر بر

مصیبت

انسان علاوه بر جسم، دارای روح نیز می‌باشد و روح همان عنصر اصلی است که هویت انسانی را می‌سازد. همان‌گونه که جسم او نیازمند خواب، خوراک و... است، روح او نیز نیاز به ارتباط با منبع لایزال الهی دارد و باید به نیازهای روحی خود نیز توجه داشته باشد و آنها را برآورده سازد. روح مجرد، از مجردات عالم نیز تأثیر می‌پذیرد. روح مانند جسم فانی نیست و بقای آن دلیل اعتقاد به معاد است. انسان نمی‌تواند روح را در آزمایشگاه خود مورد آزمایش قرار دهد، یا اینکه به‌مثابه جسم، آن را کالبدشکافی کند. این امتیازات روح باعث شده که برخی آن را انکار کنند.

از منظر شهید مطهری از دست دادن روحیه و اعتماد به نفس، نوعی خودباختگی است، که نقطه مقابل آن، ایمان و اعتماد به خود پیدا کردن است (مطهری، ۱۳۸۴، ص ۲۱۴). او بزرگ‌ترین هدیه یک رهبر به ملتش را مؤمن ساختن آنها به خودشان می‌داند (همان، ص ۲۱۷). حضرت زهرا[ؑ] با درس خودشناسی، اعتماد به نفس را به تمام عالمیان هدیه دادند.

حضرت زهرا[ؑ] به بعد روحی خود نیز معتقد بودند و خود را تنها جسم نمی‌دیدند تا آنجایی که از شدت علاقه به امیرمؤمنان علی[ؑ] می‌فرمودند: «رُوحِي لِرُوحِكَ الْفِدَاءُ وَ نَفْسِي لِنَفْسِكَ الْوِقَاءِ» (دشتی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۰). ایشان با عالم مجردات در ارتباط بودند و به همین دلیل او را محدثه می‌خواندند (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۴۹۴؛ سلیم‌پن قیس هلالی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۸۲۴). این بانوی بزرگوار برای تعالی روح خود، فرمان خداوند مبنی بر صبر در مصیبت‌ها را اطاعت می‌کردند.

الف. خودشناسی و فضیلت اخلاقی صبر بر مصیبت

انسان خود را فردی مختار و دارای آزادی مقید می‌یابد. منظور این است که نه مجبور است و نه تفویض کامل را دارد؛ یعنی نه مانند یک ابزار است که از خود هیچ اختیاری ندارد، و نه مانند ملانکه که اختیار به معنای تصمیم‌گیری ندارند. انسان اختیار دارد و در عین اختیار، خود را مستقل و بی‌نیاز از خدا نمی‌داند و او همیشه باید به یک منبع لایزال متصل باشد. اخلاق افعال اختیاری انسان را دربر می‌گیرد؛ در نتیجه برای اینکه کسی فعل اخلاقی را انجام دهد، باید دارای اختیار باشد.

ج. رابطه عصمت و صبر بر مصیبت

خداوند براساس حکمت خود به افرادی از جمله انبیاء و ائمه مقام عصمت را عطا فرموده است. در قرآن کریم خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمُ تَطْهِيرًا» (احزاب: ۳۳)؛ اهل بیت را از هرگونه گناه پاک و ایشان را پاکیزه قرار داده‌ایم. امام محمدباقر[ؑ] از قول پدرشان فرمودند: پیامبر خدا^ﷺ به درب خانه فاطمه[ؑ] می‌آمدند، سپس می‌فرمودند: سلام، رحمت و

حضرت زهرا[ؑ] نیز خود را فردی فقیر نسبت به خدا می‌دانستند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ قُوَّتِكَ لِضَعْفِنَا وَ مِنْ غِنَاكَ لِفَقْرِنَا وَ فَاقْتِنَا وَ مِنْ

۲-۳. حوزه دنیاشناسی

سومین حوزه بینش، دایره دنیاشناسی و نوع نگاه به دنیاست. انسان می‌تواند با شناخت جهان مادی و آگاهی از ماهیت دنیا، خود را به صبر وادارد. اینکه دنیا گذراست، روزی به پایان خواهد رسید و آخرت جایگاه باقی و ابدی است. حضرت زهرا[ؑ] در آخرین لحظات عمر پیامبر[ؐ] ناراحت بودند؛ اما پیامبر[ؐ] به ایشان چیزی گفتند که ایشان را شادمان کرد: ای فرزندانم! تو اولین نفر از اهل بیت هستی که به زودی به من خواهی پیوست (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۸۸). حضرت زهرا[ؑ] از اینکه دنیای گذرای او به زودی به پایان خواهد رسید و به پدر گرامی‌شان ملحق می‌شوند، خوشحال شدند. دنیا به خودی خود دارای ارزش نیست و به جهت اینکه در مقابل آخرت قرار دارد و پلی برای رسیدن به آن است، ارزشمند تلقی می‌شود. با شناخت دقیق دنیا می‌توان در ناگواری‌ها استقامت ورزید. یکی از مهم‌ترین متعلق‌های چنین شناختی عبارت است از:

الف. شناخت طبیعت زندگی دنیا

انسان با شناخت طبیعت و ماهیت دنیا می‌تواند حب دنیا را از دلش ریشه کن کند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ» (بلد: ۴)؛ همانا ما انسان را در سختی آفریدیم. بنابراین دنیا جای آسایش و آسودگی نیست. در روایت نیز آمده است: «الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۵۰)؛ دنیا زندان مؤمن است. پس زندگی در دنیا سخت و طاقت‌فرساست و اگر انسان در سختی‌ها به جای صبر، جزع و فرع کند، نه تنها از دشواری پیشامدهای ناگوار کاسته نمی‌شود؛ بلکه رنج آن دوچندان می‌شود. در روایاتی دیگر از دنیا به عنوان قرض یاد شده است. همان گونه که می‌دانیم تنها بی‌نیاز حقیقی خداست و همه ما محتاج و وابسته به او هستیم. پس تمام چیزهایی که در دنیا به ما داده شده است، قرض است. هر کس به خدا (در راه خدا) قرض را ادا کند، ده تا هفتصد برابر پاداش داده می‌شود و کسی که ندهد و خدا از او بگیرد در مقابل، درود، رحمت و هدایت به او داده می‌شود (شهید ثانی، بی‌تا، ص ۴۷-۴۸). بنابراین، کسی که اهل دین باشد، صبر و بصیرت دارد و افرادی هم که اهل دنیا باشند، اهل بی‌صبری هستند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۳، ص ۲۷۷). از این دسته از روایات، به روشنی می‌توان برداشت کرد که یکی از عوامل صبر، بینش صحیح درباره ماهیت دنیاست.

برکات خدا بر شما اهل بیت باد (استرآبادی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۱۶-۳۱۷). بر طبق این آیه و حدیث، حضرت زهرا[ؑ] که از اهل بیت پیامبر[ؐ] بودند، دارای مقام عصمت هستند و به این واسطه می‌توانند صبر کنند. عصمت در بیان علامه طباطبائی به معنای نیرویی در برخی انسان‌هاست که آنها را از ارتکاب خطا و گناه نگه می‌دارد (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۱۳۴). اینکه خداوند متعال سببی در معصوم پدید می‌آورد که به خاطر آن تمامی افعال اختیاری آن انسان به صورت اطاعت و صواب صادر می‌شود؛ و آن سبب، علم راسخ در نفس، یعنی ملکه نفسانی است (همان، ص ۱۳۹) ایشان عصمت را نوعی علم و ملکه‌ای نفسانی می‌داند.

براین اساس می‌توان در بحث خودشناسی به وجود نیرو و ملکه‌ای در خود معتقد بود که به سبب آن انسان می‌تواند صبر کند. همان گونه که در روایت آمده است: چگونه کسی که عصمت و نگهداری الهی او را یاری نکرده باشد، می‌تواند صبر کند؟ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۵۱۷؛ لیشی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۳۸۴)، پس بدون عصمت نمی‌توان صبر کرد.

ممکن است این سؤال به ذهن برسد که اگر عصمت یکی از علل صبر بر مصیبت باشد، تنها معصومان[ؑ] می‌توانند در برابر مصیبت صبر کنند؛ افزون بر این، دیگر حضرت زهرا[ؑ] نمی‌توانند الگوی جهانیان در صبر بر مصیبت باشند؛ زیرا انسان‌های معمولی معصوم نیستند و نمی‌توانند هنگام مصیبت به سبب عصمت‌شان صبر کنند!

با توجه به تشکیکی بودن عصمت و صبر، می‌توان به این سؤال پاسخ داد: زیرا بیشترین علم و ایمان، مقتضی بالاترین مراتب عصمت و کمترین علم و ایمان، مقتضی پایین‌ترین مرتبه عصمت است. به عبارت دیگر، عصمت هر فرد به اندازه مرتبه بینش اوست. کسی که بداند اینجا آتش است، خود را در آن نمی‌اندازد؛ یعنی او عصمت از این آتش را دارد. عصمت، نهایت درجه ایمان است و کسی که دائم‌الحضور باشد و خدا همیشه در نظرش باشد، گناه نمی‌کند (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲۳، ص ۵۲۰). براین اساس، عصمت بالاتر که برآمده از علم و ایمان برتر است، صبری جمیل در پی دارد و عصمت در مراتب پایین‌تر، صبری در مراتب پایین‌تر به دنبال خواهد داشت. در روایت نیز آمده است: شیعیان امیرمؤمنان علی[ؑ] نیز دارای درجاتی از مقام عصمت می‌باشند (طبرسی، ۱۳۸۵ق، ص ۹۴). بنابراین هر قدر انسان در مراتب عصمت بالاتر رود، صبری شایسته‌تر خواهد داشت.

حضرت زهرا[ؑ] این گونه بینشی را داشتند که توانستند در مقابل مصائب صبر کنند. در بینش ایشان وابستگی شدید به دنیا مطرح نبود، به گونه‌ای که جنین خود را هم برای نجات جان ولی خدا فدا کردند (خصیعی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۷۹؛ سلیم‌پن قیس هلالی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۵۸۸). شاید بتوان گفت برای یک مادر باردار هیچ چیز باارزش‌تر و عزیزتر از فرزندش که با خود دارد، نیست؛ اما ایشان برای دفاع از جان ولی خدا حاضر شدند آن امانت را به صاحبش برگردانند. از طرفی ایشان رهبانیت در دین را هم نپذیرفته بودند؛ در میان مردم زندگی می‌کردند، ازدواج کردند و...

۲-۴. حوزه فرجام‌شناسی

در حوزه فرجام‌شناسی می‌توان فلسفه آفرینش انسان را از منظر آیات و روایات بررسی کرد. قرآن فرموده است که: خداوند، عالم را آفرید تا عبادت او را انجام دهند. «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶). در روایات نیز فلسفه آفرینش از منظر حضرت زهرا[ؑ] اینچنین آمده است: خداوند به آفرینش عالم نیازمند نبود، اما آفرید تا حکمتش را تثبیت کند، مردم متوجه اطاعت خدا شوند؛ قدرتش را ظاهر کند، ربوبیت خود را به بندگان نشان دهد، بندگی‌اش را عزت دهد که اگر بندگی کنید، ثواب اخروی دارید و اگر نافرمانی کنید، عقاب می‌شوید. برای جلوگیری از مبتلا شدن بندگان به نعمت‌ها و حرکت دادن آنها به سوی بهشت، ثواب و عقاب را قرار داد (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۹۸).

انسان برای دستیابی به کمال آفریده شده و همه ابزارهای لازم برای رسیدن او به هدف نهایی در اختیارش قرار داده شده است. حضرت زهرا[ؑ] برای اینکه اطاعت خدا را انجام دهند و به کمال نهایی خود برسند، در برابر مصیبت‌ها صبر را پیشه کردند؛ بنابراین آگاهی از فرجام نیز یکی از علل صبر است، که می‌تواند ما را در برابر سختی‌ها مقاوم کند.

الف. آگاهی نسبت به پیامدهای اخروی صبر

مصیبت دارای پیامدهای مثبت و منفی است: الف) پیامد مثبت: صبر و به دست آوردن پاداش الهی؛ ب) پیامد منفی: جزع و فزع و محروم شدن از پاداش الهی. در تأیید این مطلب می‌توان به تقل قولی تاریخی استناد کرد. بی‌میسره می‌گوید: خدمت حضرت صادق[ؑ] بودم؛ مردی آمد و از مصیبتی به حضرت شکایت کرد. حضرت فرمود: توجه داری اگر صبر کنی، خدا به تو اجر می‌دهد و اگر صبر

دو فرد را تصور کنیم؛ فردی که همه چیز را دنیا می‌پندارد و فردی که دنیا را مقدمه می‌داند. کسی که دنیا را اصل بداند، طبعاً برای به دست آوردن آن از هیچ کوششی دریغ نخواهد کرد و فردی که دنیا را مقدمه بداند، ناگزیر به همان اندازه مقدمه، به آن بسنده می‌کند و تمام سعی خود را به کار می‌گیرد که به نحو احسن و آن گونه که خداوند متعال از او خواسته، از مقدمه استفاده کند. حضرت زهرا[ؑ] در دنیا به دنبال آسودگی نبودند و می‌فرمودند: از دنیای شما بسیار بیزارم (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۷۴) و پیامبر[ؐ] بعد از آنکه حضرت زهرا[ؑ] زیورآلات خود را به ایشان دادند که در راه خدا مصرف کنند، سه مرتبه فرمودند: پدرش به فدایش باد. دنیا در نزد محمد و آل محمد ارزشی ندارد؛ چراکه اگر دنیا به اندازه بال یک پشه ارزش داشت، همانا (خداوند) ذره‌ای از آن را نصیب کافر نمی‌کرد (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۲۳۴). این بینش، به ایشان توانایی داد تا در مقابل سختی‌های شعب ابطالب، از دست دادن عزیزانش، آزار و اذیت شدن پدرشان به دست کفار (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۴۰؛ ج ۸، ص ۳۳۸) و... صبر کنند.

ب. ادراک معتدل نسبت به دنیا زمینه‌ساز صبر بر مصیبت

اگر بینش انسان به گونه‌ای شود که دنیا و آنچه در آن است را بخواهد و دل‌بستگی و وابستگی شدید به آن داشته باشد، به‌طورطبیعی از دست دادن آنها هم برایش بسیار سخت خواهد بود. امام صادق[ؑ] می‌فرماید: «مَنْ تَعَلَّقَ قَلْبَهُ بِالْدُنْيَا تَعَلَّقَ قَلْبَهُ بِثَلَاثِ خِصَالٍ هُمْ لَا يَفْنَى وَ أَمَلٍ لَا يُذْرَكُ وَ رَجَاءٍ لَا يُنَالُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۲۰)؛ کسی که دل به دنیا بسته باشد، دلش به سه چیز وابسته است: اندوهی که زوده نمی‌شود، آرزویی که برآورده نمی‌شود و امیدی که به دست نمی‌آید. از طرفی دیگر، اگر انسان رهبانیت در دین را برگزیند و بینش او آن گونه باشد که نباید از دنیا و هرآنچه در آن است، استفاده کند و هیچ علاقه‌ای به آن نداشته باشد، دیگر از دست دادن جان، مال و... را نیز مصیبتی نمی‌داند که بخواهد بر آن صبر کند. بنابراین انسان باید درکی اعتدال‌گونه نسبت به دنیا باشد؛ از نعمت‌های دنیا به اندازه ضرورت استفاده کرده و همه آمال و آرزوهای خودش را هم در دنیا نبیند؛ بداند که دنیا تنها به اندازه ظرفیت خود گنجایش دارد.

نتیجه‌گیری

شناسایی علل صبر یکی از مهم‌ترین مراحل تحصیل فضیلت اخلاقی صبر و تقویت آن به حساب می‌آید. با توجه به الگو بودن زندگی حضرت زهرا[ؑ] می‌توان به عوامل صبر ایشان هنگام مصیبت‌ها دست یافت و با تقویت آن عوامل، تا حد امکان به درجات بالایی از این فضیلت اخلاقی دست یافت. در میان عوامل متعدد صبر در زندگی آن حضرت، بر عوامل بینشی صبر متمرکز شده، آنها را در چهار حوزه^۱ خداشناسی، خودشناسی، دنیاشناسی و فرجام‌شناسی بررسی کردیم و به صورت خلاصه به نتایج زیر دست یافتیم:

الف. با توجه به تشکیکی بودن حقیقت صبر بر مصیبت می‌توان یکی از مهم‌ترین علل آن را خداشناسی دانست که با توجه به مراتب مختلف شناخت و یقین افراد نسبت به خدا، میزان صبر افراد نیز متفاوت خواهد بود. افرادی مانند حضرت زهرا[ؑ] که دائم خود را در محضر خدا می‌بینند، محبت خدا را بیشتر درک می‌کنند و او را یاور و همراه همیشگی خود می‌دانند؛ در مسائل فردی، اجتماعی و سیاسی جهت جلب رضای الهی صبر را پیشه خود می‌سازند.

ب. در حوزه^۲ خودشناسی، حضرت زهرا[ؑ] با توجه به مقام عصمت‌شان، بینش دوعبدی بودن انسان، با روحیه^۳ ایستادگی و مقاومت و اعتماد به نفس، بر مصائب صبر کردند.

ج. در حوزه^۴ دنیاشناسی، معرفت به اینکه دنیا گذراست، دارای ارزش ذاتی نیست و مقدمه‌ای برای آخرت است و با درک معتدل نسبت به دنیا، حضرت زهرا[ؑ] در مصائب مقاوم و استوار شدند.

د. در حوزه^۵ فرجام‌شناسی، بینش حضرت زهرا[ؑ] اینچنین بود که بندگی خدا سبب عزت و کسب ثواب اخروی است و انسان برای رسیدن به کمال آفریده شده است. تلخی کوتاه‌مدت دنیا، شیرینی پایدار اخروی را به همراه دارد و اینکه معاد حق است. تقویت این بینش‌ها باعث تقویت صبر انسان شده، به تدریج او را در مسیر سبک زندگی اسلامی قرار خواهد داد.

نکنی همان مصیبت بر تو روی می‌آورد، درحالی که تو مذموم و بدون اجر و پاداش هستی (شهید ثانی، بی‌تا، ص ۵۲).

نفس انسان لذت‌طلب است و به لذت‌های زودگذر نیز تمایل دارد. یکی از راه‌های کنترل نفس، تقویت بینش در حوزه^۶ فرجام‌شناسی است. آگاهی از عواقب ناگوار لذتی زودگذر، انسان را از آن دور کرده و آگاهی از پیامدهای مثبت تحمل رنجی زودگذر، او را مقاوم می‌کند. پیامبر[ؐ] به حضرت زهرا[ؑ] فرمودند: ای دخترم! تلخی دنیا را مقدمه برای شیرینی آخرت قرار بده (شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۵۶۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۷۶۵). به راستی، آگاهی از پیامدها و عواقب امور می‌تواند باعث ایجاد بینشی در انسان گردد که او را در سختی‌ها مقاوم کند.

ب. معادباوری در صبر بر مصیبت

شاخه^۷ دیگر فرجام‌شناسی، معادباوری است. انسان اگر اعتقاد به معاد داشته باشد و پاداش و عقاب را حق بداند، زندگی او رنگ‌بویی دیگری خواهد گرفت و توانایی رویارویی با مصیبت‌ها را خواهد یافت. حضرت زهرا[ؑ] با اعتقاد به معاد و گاه، شاهد آوردن آن، توانستند صبر جمیل خود را به جهانیان نشان دهند. استقامت ایشان در دفاع از ولایت با معادباوری‌شان گره خورده است؛ بنابراین دست‌ها را به سوی آسمان بلند کردند و فرمودند: «أَنى اشهد الله و ملائکته أنكما اسخطانی و ما ارضیتمانی لئن لقیته النبى لَأشکونکما» (جرعاملی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۴۰۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۸، ص ۳۵۷)؛ خدا و ملائکه را شاهد و گواه می‌گیرم که شما دو نفر مرا به غضب آوردید و رضایت مرا فراهم نکردید؛ اگر پیغمبر را ملاقات کنم از شما شکایت خواهم کرد. در احتجاج با ابوبکر نیز آیه^۸ «وَ اتَّظَرُوا إِنَّا مُتَّظَرُونَ» (هود: ۱۲۲) را تلاوت کردند که معنایش این است: شما انتظار بکشید، ما هم منتظر می‌مانیم. استقامت فعال - و نه منفعل - ایشان، برآمده از اعتقاد راسخ به معاد است. تعمیم دلیل می‌تواند رهاوردی مانند استقامت هنگام مصیبت را به ارمغان آورد.

خلاصه آنکه انسان با افزایش بینش خود در چهار حوزه^۹ خداشناسی، خودشناسی، دنیاشناسی و فرجام‌شناسی می‌تواند به مراتبی از صبر دست پیدا کند.

تحقیق مؤسسه آل‌ال‌بیت، قم، مؤسسه آل‌ال‌بیت.
 قطب راوندی، سعیدبن هبة‌الله، ۱۴۰۷ق، *الدعوات (لراوندی) / سلوة الحزین*،
 قم، مدرسة الإمام المهدي[ؑ].
 —، ۱۴۰۹ق، *الخرائج و الجرائح*، تصحیح مؤسسه الإمام المهدي، قم،
 مؤسسه الإمام المهدي.
 قمی، عباس، ۱۳۷۹، *منتهی الأمال فی تواریخ النبى و الال (صلوات الله و*
سلامه عليهم)، قم، دلیل ما.
 کراچکی، محمدبن علی، ۱۴۱۰ق، *کنزالفوائد*، تحقیق عبدالله نعمت، قم، دار
 الذخائر.
 کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، تحقیق علی‌اکبر غفاری و محمد
 آخوندی، چ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
 گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۱، *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*، زیر نظر محمدتقی
 مصباح، چ دوم، تهران، مدرسه.
 لیثی واسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶، *عیون الحکم و المواعظ*، تحقیق حسین
 حسنی بیرجندی، قم، دار الحدیث.
 مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، تحقیق جمعی از محققان، چ دوم،
 بیروت، دار احیاء التراث العربی.
 محیطی اردکان، محمدعلی و سمانه کارگر شورکی، ۱۳۹۹، «تحلیل فضیلت
 اخلاقی صبر بر مصیبت در سیره حضرت زهرا[ؑ]»، *معرفت*، ش ۲۷۴، ص
 ۵۳-۶۲.
 مطهری، مرتضی، ۱۳۷۷، *مجموعه آثار*، چ هشتم، تهران، صدرا، ج ۲۳.
 —، ۱۳۸۴، *آینده انقلاب اسلامی ایران*، تهران، صدرا.
 —، ۱۳۹۰، *حکمت‌ها و اندرزها*، چ سی و دوم، تهران، صدرا.
 مکی عاملی، زین‌الدین بن علی (شهید ثانی)، بی‌تا، *مسکن الفؤاد عند فقد*
الأحبة و الأولاد، قم، بصیرتی.
 نراقی، ملامهدی، بی‌تا، *جامع السعادات*، تصحیح محمد کلانتر، بیروت،
 مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

mesbahyazdi.ir

منابع.....

نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، ترجمه علی‌نقی فیض‌الاسلام، چ پنجم، تهران،
 فیض‌الاسلام.
 ابن‌شعبه حرانی، حسن‌بن علی، ۱۴۰۴ق، *تحف العقول*، تحقیق علی‌اکبر
 غفاری، چ دوم، قم، جامعه مدرسین.
 اربلی، علی‌بن عیسی، ۱۳۸۱ق، *کنسف الغمة فی معرفة الأئمة*، تحقیق
 سیدهاشم رسول محلاتی، تبریز، بنی‌هاشمی.
 استرآبادی، علی، ۱۴۰۹ق، *تأویل الآيات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة*،
 تحقیق حسین استادولی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
 بحرانی، عبدالله بن نورالله، ۱۴۱۳ق، *عوامل العلوم و المعارف و الأحوال من*
الآیات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سیده‌النساء فاطمة‌الزهراء[ؑ] إلى الإمام
 محمدبن علی الجواد[ؑ])، تحقیق محمدباقر موحد ابطحی اصفهانی، قم،
 مؤسسه الإمام المهدي[ؑ].
 تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰ق، *غرر الحکم و درر الکلم*، تحقیق
 سیدمهدی رجائی، چ دوم، قم، دار الکتب الاسلامی.
 حرعاملی، محمدبن حسن، ۱۴۰۴ق، *اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات*،
 بیروت، مؤسسه الأعلمی.
 خصیبی، حسین بن حمدان، ۱۴۱۹ق، *الهدایة الكبرى*، بیروت، مؤسسه البلاغ.
 دشتی، محمد، ۱۳۹۱، *فرهنگ سخنان حضرت فاطمه[ؑ]*، چ بیستم، تهران، چاپ
 و نشر بین‌الملل.
 دیلمی، حسن بن محمد، ۱۴۱۲ق، *ارشاد القلوب إلى الصواب*، قم، شریف
 الرضی.
 سلیم‌بن قیس هلالی، ۱۴۰۵ق، *کتاب سلیم‌بن قیس الهلالی*، تصحیح محمد
 انصاری زنجانی، قم، الهادی.
 شوکانی، محمد، ۱۴۱۴ق، *فتح القدير*، دمشق، دار ابن‌کثیر.
 صدوق، محمدبن علی، ۱۴۱۳ق، *من لا یحضره الفقیه*، تحقیق علی‌اکبر غفاری،
 چ دوم، قم، جامعه مدرسین.
 —، ۱۳۷۶، *أمالی*، چ ششم، تهران، کتابچی.
 طالقانی، نظرعلی، ۱۳۷۳، *کاشف الاسرار*، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی
 رسا.
 طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۹۰ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ دوم،
 بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
 طبرسی، احمدبن علی، ۱۴۰۳ق، *الإحتجاج*، تحقیق محمدباقر خراسان، مشهد،
 المرتضی.
 طبرسی، علی بن حسن، ۱۳۸۵ق، *مشکاة الانوار فی غرر الاخبار*، چ دوم، نجف،
 المكتبة الحیدریه.
 طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تصحیح
 فضل‌الله یزدی طباطبائی، چ سوم، تهران، ناصر خسرو.
 طوسی، محمدبن حسن، ۱۴۱۴ق، *الأمالی*، تحقیق مؤسسه بعثت، قم، دار
 الثقافة.
 علی بن موسی[ؑ] (امام هشتم)، ۱۴۰۶ق، *الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا[ؑ]*